

برای خندانن مخاطب را مچاله می‌کنند

نظریه‌پردازی پیرامون طنز براساس هر مکتبی که علت شناختی آن را تبیین می‌کند میان خنده تمسخرآمیز و خنده از سر موقعیت طنز تفاوت می‌گذارد.



طنز و فرهنگ دینی در گفت‌وگو با دکتر مصطفی عباسی مقدم

برای خندانن مخاطب را مچاله می‌کنند

نظریه‌پردازی پیرامون طنز براساس هر مکتبی که علت شناختی آن را تبیین می‌کند میان خنده تمسخرآمیز و خنده از سر موقعیت طنز تفاوت می‌گذارد.

در فرهنگ دینی ما نیز بر اساس آموزه‌های دینی و همین‌طور رسالتی که رسانه ملی بر عهده خویش می‌بیند، در ظاهر امر در موافقت با فلسفه طنز سعی در جدا انگاشتن فکاهه، هزل و هجو و ترسیم مرزهای آن دارد اما متأسفانه در عمل آنچه به‌عنوان نمایش طنز در قالب فیلم و سریال برای مخاطبان به نمایش درمی‌آید ملغمه‌ای از هزل و هجو و طنز است که با اسم نمایش طنز به مخاطبان عرضه می‌شود. نمونه اخیر این مسئله سریالی است که در پیک پخش رسانه ملی به صورت روتین پخش می‌شد و اخیراً به پایان رسیده است. این سریال با توجه به تیم پشت صحنه آن، پیش از نمایش نوید تماشای طنزی متفاوت را به تماشاگران رسانه ملی داد اما این تنها یک نوید بود چرا که خیلی زود مخاطبان این سریال متوجه شدند این نمایش هر شبه طنز نیز چیزی بیشتر از لودگی‌هایی عصبی‌کننده با رگه‌هایی از طنز نیست. گفت‌وگوی حاضر با دکتر مصطفی عباسی مقدم درباره ویژگی‌های طنز خوب و تأثیرگذار و حد و مرز شوخی از منظر فرهنگ دینی به همین مناسبت انجام گرفته است که از نظرتان خواهد گذشت. از وی تا به حال کتاب‌های «اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان«، «نسیم تفاهم: راهبردها و روش‌ها«، «جمله‌های تربیت و تبلیغ در سیره پیامبر اعظم(ص)« منتشر شده است.

• جایگاه، اهمیت و کارکرد طنز چیست؟

اساساً طنز بخشی مهم و تأثیرگذار در زندگی است. فرد و جمعی که از طنز دور باشد طعم زندگی واقعی و تفکر و اندیشه را نمی‌چشد. طنز باعث پویایی اندیشه‌ها و به‌کارگیری ضمائر انسانی است. در عین حال طنز از صراحت‌های رسواکننده و اهانت و خشونت‌های رفتاری و گفتاری جلوگیری می‌کند. از طریق طنز هم شما حرفتان را می‌زنید و هم با آرامش و وقار و نجابت با دیگران برخورد می‌کنید نه با تندى، لودگی و سبکی.

• آیا طنز فقط قابل ارائه در نمایش است یا همه جا و در همه ارتباطات جا دارد؟

حقیقتاً طنز جزئی از زندگی معنوی و انسانی است. عرض کردم بدون طنز اصلاً معنای زندگی درک نمی‌شود، چون برخی مطالب و برداشت‌ها و اظهارنظرها را باید در لفافه، کنایه، استعاره، تشبیه و روش‌های دیگر گفت و طنز در واقع مجمع همه این روش‌ها و تکنیک‌های ادبی، کلامی و ارتباطی است. در ضرب‌المثل‌ها بسیار از این صنعت‌ها و تکنیک‌ها وجود دارد.

• تفاوت طنز، فکاهه و لودگی چیست؟

طنز مبتنی بر تفکرات و هدفش هم برانگیختن فکر و اندیشه و ضمیر انسانی است تا مخاطب به اعمالی دست بزند یا از کاری دست بردارد. همچنین در طنز تأثیرگذاری هیجانی خیلی مطرح نیست، در حالی‌که در فکاهه تأثیرگذاری آبی و همان خندانن بدون عمق هدف است؛ هیجانی که لحظاتی هست و بعد یک احساس ناکامی نیز ممکن است در پی داشته باشد. البته قبول داریم که خود خندیدن هم گاهی برای برخی افراد و در برخی موقعیت‌ها و شرایط، فرض و لازم است ولی عموماً به‌خصوص وقتی از حد خارج می‌شود خنده صرف بی‌فایده است و انسان را غافل می‌کند به جای آنکه هوشیار و متنبه کند. طنز واقعی آن است که از غفلت به هوشیاری، از جهل به علم، از سستی به تکاپو و از سکون به حرکت وامی‌دارد. لودگی هم که در واقع مسخرگی است و به‌نظر می‌رسد در شأن انسان نیست و باید از آن پرهیز شود، اگر هم وجود داشته باشد قدری از آن در نوجوانی و کودکی ممکن است باشد ولی به هر

حال چون رفتار انسان عاقل همیشه مبتنی بر تعقل، تفکر و هدفمندی است پس حتی جوان و نوجوان عاقل و تفکر پیشه بایستی از رفتارهای خارج از تعقل پرهیز کند، البته این موضوع با میل انسان به بازی و شوخی متفاوت است. بازی برای انسان لازم است به ویژه برای کودک، نوجوان و جوان البته با این تعریف که بازی نوعی تمرین برای قوای جوان و انسان است که در کنار عنصر رقابت سعی می‌کند خود را از طریق بازی شکوفا کند و همه استعدادهایش را به فعلیت برساند.

•#معیارها و حدود پرداختن به طنز چیست؟

یکی از کارگردانان می‌گفت ما به موارد اخلاقی پایبندیم ولی گاهی درباره اخلاق غلو می‌شود. منظور او این بود که ما گاهی به طور متفاوت از آنچه در قدیم بوده برخی اخلاقیات را نشان می‌دهیم؛ مثلا الزاما شکل احترام به پدر و مادر در امروز و دیروز یکسان نیست و ما تابع تحولات فرهنگی و رفتاری مردم و انسان‌ها هستیم و آنها را نشان می‌دهیم. من قدری به این کارگردان حق می‌دهم ولی نمی‌توان به طور کامل این سخن را پذیرفت چرا که اخلاق و معیارهای اخلاقی ثابت و تغییرناپذیرند. در واقع ما یک سری اخلاقیات داریم و یک سری آداب. مبانی و صفات و معیارهای اخلاقی براساس فطرت و اصول دین و الهی غیرقابل تغییرند ولی آداب و روش‌های سنتی مربوط به یک قوم و شهر و منطقه ممکن است دچار تفاوت و تغییر شود. بحث ما این است که خلقی مثل صداقت یا ضد آن دروغ، قابل تغییر از لحاظ حکم نیست. چشم و هم‌چشمی و دنیاطلبی در همه جا و در همه شرایط مذموم است و نباید ترویج شود. اهانت و مسخره کردن انسان‌ها یا خشونت ورزی بیجا در رفتارهای بین فردی از لحاظ اخلاق اسلامی جایبی ندارد، البته تا آنجا که عادات و آداب مربوط باشد حتما تفاوت‌هایی وجود دارد و اینها امور نسبی هستند؛ در یک جا برای احترام راست می‌ایستند و در جایی دیگر یا سر را خم می‌کنند یا کمی خم می‌شوند. در قومی و جامعه‌ای تعارف و تجامل در مرادوات معنا دارد مانند جامعه ما که در آن این صفت خیلی پررنگ است. اینها آداب است و اگر در طنزی زیر سؤال رود اشکال عمده ایجاد نمی‌شود، البته قرار هم نیست که در طنز همه قراردادهای عرفی و آداب فردی و اجتماعی پذیرفته شده را زیر پا بگذاریم. منظور این است که اگر به اقتضای داستان و طنز موارد معدودی از این آداب جا به جا شده اشکالی تولید نمی‌شود.

•#پس چگونه است که دروغ، چشم و هم‌چشمی، حسد، خشونت کلامی و حتی رفتاری در طنزها بسیار اتفاق می‌افتد، مگر اینها خلاف فطرت و اخلاق اسلامی نیست. البته برخی وقت‌ها هم اینگونه توجیه می‌شود که با رفتار نامطلوب می‌خواهیم زشتی آنها را با زبان طنز به مخاطب نشان دهیم!

شکی نیست که برای نشان دادن زشتی یک عمل و نهی از آن، هم روش مستقیم وجود دارد و هم روش غیرمستقیم. روش مستقیم این است که بدی‌های آن‌را بگیریم و اگر فیلم و سریالی تنها به این روش موعظه کند تأثیرش کم می‌شود و در روش غیرمستقیم آن است که با تکیه بر درایت و تشخیص مخاطب، بدی‌ها نشان داده شوند و با چاشنی طنز و لطیفه و جملات و رفتارهای معنادار و خلق موقعیت، زشتی آن رفتار به مخاطب منتقل شود. مهم این است که در این روش نباید نشان دادن بدی‌ها بر مقوله‌های دیگر غالب باشد یعنی اگر هم بدی نشان داده می‌شود باید در کنارش خوبی‌ها هم ارائه و بیان شود تا بدآموزی غلبه نکند، اگر تمام یک فیلم و سریال نشان دادن اخلاق بد باشد در عموم مخاطبان همان بدی‌ها به تدریج رسوخ می‌کند و حداقل قبح و زشتی آن ریخته می‌شود. این مورد را در بسیاری از سریال‌ها در موضوع دروغ می‌بینیم که آنقدر دروغ‌های پی در پی و بی‌حساب گفته می‌شود که هرگز مجالی برای تحلیل مخاطب نمی‌گذارد و آن دروغ‌ها به تکیه کلام و عادت مخاطبان تبدیل می‌شود و موقعیت‌های مؤثری برای جا انداختن بدی آن عمل در همان فیلم یا سریال خلق نمی‌شود. یادمان باشد که برخی رفتارها، به ویژه در ارتباط با برخی مخاطبان مثل نوجوانان و جوانان حتی با یک بار دیدن تأثیرگذار است و اگر مثبت باشد سازنده و اگر منفی باشد ویرانگر است. نشان دادن روابط افسارگسیخته و غیرمقید بودن میان زن و مرد می‌تواند آنچنان برای نوجوان و جوان ویرانگر و فسادبرانگیز باشد که فرصتی برای حقیقت‌یابی باقی نماند. بی‌جهت نیست که بر فراز این بدسلیقگی‌ها مصداق آیه قرآن است که اشاعه فحشا را به شدت تقبیح می‌کند. از نظر قرآن آنان که کار بد و زشت و گناه را اشاعه دهند عذاب دردناک در انتظارشان است. پس بایستی مواظب باشیم که مرز میان نشان دادن گوشه‌ای از بدی‌ها برای منع مردم از تکرار آنها و اشاعه زشتی‌ها مخلوط نشود.

•#معیار دقیق این مطلب و در واقع مرز این دو مطلب حساس کجاست و چگونه تعیین می‌شود؟

برای نوع سناریوها و کارگردانی‌هایی که می‌بینیم چند رویکرد، برخورد و دیدگاه در این زمینه احساس می‌شود. برخی معیار را واقعیت موجود جامعه می‌دانند یعنی می‌گویند ما زشتی‌ها و بدی‌ها را اگر بدون بزرگ‌نمایی نشان دهیم و با روش‌های طنز روی آنها کار کنیم نتیجه مطلوب خواهد بود به شرطی که در مقابل، خوبی‌ها و صفات نیکو را بزرگ‌نمایی کنیم. از روش کار عده‌ای دیگر برمی‌آید که معتقدند معیار این است که تا آنجا که فریاد فرد یا قشری از مردم بلند نشود می‌توان بدی‌ها را بزرگ‌نمایی کرد؛ یعنی ملاک را عکس‌العمل دیگران می‌دانند. اکنون رسم است که در پی پخش سریال‌ها یا فیلم‌ها داد و فریاد صنفی خاص یا قشری خاص بلند می‌شود البته به اعتقاد من این به بدسلیقگی و ندانم‌کاری و به عبارتی دیگر به افراط سازندگان در اهانت و تمسخر به آن قشر یا صنف برمی‌گردد نه به اصل طنز و برنامه هنری. از این دو معیار هیچ کدام ظاهرا نمی‌توانند کارساز باشند چون گاهی واقعیت‌های تلخ و زشتی وجود دارد که هرگز نباید نشان داد و از طرفی گاهی طنزهای سخیف داریم که شاید قشر خاصی از جامعه را نمی‌آزارد ولی انسان هوشمند و فرهیخته را آزار می‌دهد چرا که برخی برنامه‌سازان و سریال‌سازان برای خنداندن به زعم خودشان طنزپردازی شخصیت مخاطب را مچاله می‌کنند و به هر قیمتی می‌خواهند او را تحت تأثیر قرار دهند در حالی که لطافت و ظرافت شرط طنز است.